

رسائل

مجله علمی دانش پژوهان مرکز آموزش های تخصصی فقه

شماره ۳، تابستان ۹۴

صفحات ۹۲ تا ۱۰۱

محسن فرزام*

Mohsen.f.1990@gmail.com

شهادت بر زنا

بررسی نظریه های فقهای امامیه در اعتبار کیفیت خاص در مشاهده

چکیده

گرچه در فقه امامیه، به صورت کلی شروطی برای ادای شهادت تعیین شده است اما با توجه به اهتمام شارع در امر فروج، در شهادت بر زنا، شروط دیگری نیز به طور اختصاصی وضع شده است. بنابر نظر مشهور، رؤیت به نحو مخصوص از جمله این شروط اختصاصی است. به عبارت دیگر نحوه مخصوصی که در روایات باب با تعبیر «کالمیل فی المکحله» بیان شده، در اعتبار شهادت بر زنا لازم است یا مشاهده مقدمات ملازم با زنا هم کفایت می کند. در این نوشتار، علاوه بر نظر مشهور فقهای شیعه، سایر انظار نیز طبقه بندی و ادله آنان به تفکیک در هر نظریه تحلیل شده است.

با عنایت به اینکه مشاهده زنا بدین صورت کمتر اتفاق می افتد و از نظر شرعی نیز تجسس در این امر جایز نیست، همچنین با توجه به حساسیت این مسئله از منظر اجتماعی و فرهنگی و مجازات سنگین مترتب بر هر دو سوی مساله یعنی حد زنا و حد قذف و از همه مهم تر وجود اختلاف بین فقها، تبیین مبانی فقهی مواد قانونی مرتبط ضرورت دارد.

نظریه مشهور فقها و به ویژه قدما، رؤیت به نحو مخصوص را شرط دانسته‌اند. برخی از فقها مانند شیخ مفید(ره) نیز بین شهادت موجب جلد و شهادت موجب رجم قائل نظریه تفصیل را برگزیده‌اند. نهایتاً طبق نظریه فقهایی دیگر مانند صاحب جواهر(ره) و محقق خویی(ره)، مطلق علم به زنا حتی اگر از طریقی غیر از مشاهده حاصل شده باشد، برای ادای شهادت کفایت می‌کند. در این میان، تحقیق حاضر نظریه مشهور را دارای قوت بیشتری دانسته است.

کلیدواژگان:

بینه، شهادت بر زنا، کالمیل فی المکحله، مقدمات ملازم با زنا.

مقدمه:

گرچه در فقه امامیه، به صورت کلی شروطی برای ادای شهادت تعیین شده‌است اما با توجه به اهتمام شارع در امر فروج، در شهادت بر زنا، شروط دیگری نیز به طور اختصاصی وضع شده است. بنابر نظر مشهور، رؤیت به نحو مخصوص از جمله این شروط اختصاصی است. به عبارت دیگر آیا نحوه مخصوصی که در روایات باب با تعبیر «کالمیل فی المکحله» بیان شده، در اعتبار شهادت بر زنا لازم است یا مشاهده مقدمات ملازم با زنا هم کفایت می‌کند.

با عنایت به اینکه مشاهده زنا بدین صورت کمتر اتفاق می‌افتد و از نظر شرعی نیز تجسس در این امر جایز نیست، همچنین با توجه به حساسیت این مسئله از منظر اجتماعی و فرهنگی و مجازات سنگین مترتب بر هر دو سوی مساله یعنی حد زنا و حد قذف و از همه مهم‌تر وجود اختلاف بین فقها، تبیین مبانی فقهی مواد قانونی مرتبط ضرورت دارد.

در این نوشتار، ابتدا سعی می‌شود تعبیر کالمیل فی المکحله و تاثیر آن در شهادت بر زنا تحلیل شود. سپس اصل اولی در ادای شهادت به دست آید. بعد از آن علاوه بر بیان نظر مشهور فقهای شیعه، سایر انظار نیز طبقه‌بندی و ادله آنان به تفکیک هر نظریه تحلیل شود و نهایتاً قول مختار تبیین گردد.

۱- اصطلاح «کالمیل فی المکحله»

در عمده روایات باب حد زنا، تعبیری آمده است که موجب شده است فقها مباحث متنوعی ذیل آن مطرح کنند. تعبیر «کالمیل فی المکحله»، اصطلاح علمی این بحث، در لغت به معنای «مانند میل در سرمه‌دان» (مهیار، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی ۸۵۴) است. این اصطلاح و تحلیل آن که نحوه روایت مورد نظر در زنا را نشان می‌دهد، مبنای استدلال فقها در شیوه اثبات عمل زنا از طریق شهادت است. البته آنچه در برخی روایات و کلام فقها به عنوان شرط روایت کالمیل فی المکحله آمده، چیزی جز روایت نفس زنا نیست؛ زیرا اولاً در برخی روایات دیگر مانند صحیح حلبی (عاملی، وسائل الشیعه ۲۸: ۹۴)، روایت ادخال و اخراج شرط شده و در بعضی روایات مانند معتبره ابی بصیر (همان ۲۸: ۹۵)، روایت جماع در کنار این الفاظ آمده است. ثانیاً آنچه خویی در مقابل روایت کالمیل فی المکحله بیان می‌کند، مشاهده مقدمات خارجی ملازم با زناست. پس نباید بپنداریم که منظور از روایت کالمیل فی المکحله، معنای ظاهری آن است تا اشکال شود چنین چیزی در خارج جز در موارد نادر مصداق نخواهد داشت. علاوه بر این، اگر معنای ظاهری این عبارت، مورد نظر باشد، روایت به نحو کالمیل فی المکحله به تجسسی جداگانه نیاز دارد که در این صورت، عدالت شاهد زیر سؤال می‌رود و در واقع، نقض غرض رخ می‌دهد؛ چون لازمه شهادت، نوعی روایت است که عدالت شاهد را مخدوش می‌کند.

۲- تأسیس اصل در ادای شهادت

مشهور فقها، علم را در شهادت معتبر می‌دانند و از ظاهر عبارات آنان فهمیده می‌شود که این علم باید از منشأ عادی باشد. بنابراین، در شهادت بر سرقت، غصب، قتل، زنا و امثال آن، مشاهده فعل و در مواردی مانند قذف، اقرار، شهادت بر شهادت و مانند آن، سماع معتبر است. مقتضای این حرف آن است که در شهادت بر مبصرات، اگر منشأ علم شاهد، چیزی غیر از ابصار باشد، شهادت وی پذیرفته نشود. تبریزی می‌فرماید: «ظاهر کلمات مشهور، اعتبار ابصار را می‌رساند.» برخی مانند محقق اردبیلی در این حکم توقف کرده‌اند و برخی چون فاضل هندی، شهادت را در صورتی که مبنای آن، تواتر یا خبر محفوف به قرینه باشد، جایز می‌دانند. صاحب ریاض نیز

معتقد است اصل در شهادت بر این است که علم از مبادی حسی نشئت بگیرد، اما این اصل، مقید به صورت امکان است (تبریزی، اسس القضاء و الشهادات ۵۰۸). پس اگر مورد شهادت از امور حسی باشد، همان گونه که محل بحث ماست، فقط در صورتی شهادت پذیرفته می‌شود که علم شاهد از مبانی حسی ناشی شده باشد. در مقابل، برخی فقها مانند صاحب جواهر، مطلق علم را کافی دانسته‌اند، حتی اگر از مبادی حسی نباشد (نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۳۹۹). حضرت امام خمینی در تحریر الوسیله، این قول را اشیبه می‌داند. (امام خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۴۴۵) آیت الله گلپایگانی نیز ضمن قبول این قول، ذکر سمع و ابصار در روایات و کلام فقها را از باب غلبه دانسته و معتقد است که سمع و ابصار در اینجا طریقت دارند، نه موضوعیت (گلپایگانی، کتاب الشهادات ۲۴۱). از مجموعه اقوال می‌توان دریافت که قدر متیقن در جایی است که علم شاهد بر مبنای حس باشد که قول مشهور نیز بر همین امر دلالت می‌کند. البته شهادت در امور وجدانی مانند وحدانیت خدا یا اموری که اخبار مستند به حس در آن متعذر باشد، مانند واقعه غدیر، نیازی به مبادی حسی ندارد و مطلق علم کفایت می‌کند. این تفصیل با معنای لغوی شهادت نیز سازگار است؛ زیرا شهادت گاه به معنای حضور و گاه به معنای اعتقاد به چیزی آمده و هر دو معنا در قرآن کریم به کار رفته است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ۴۶۵). پس قول صاحب جواهر در قسم دوم تمام است، اما در مواردی مانند زنا که از امور حسی هستند، باید علم از طریق عادی آن، یعنی مبادی حسی حاصل شده باشد که ظاهر روایات و کلام مشهور نیز همین امر را تقویت می‌کند.

۳- اقوال در مسئله

۳-۱- قول مشهور: روایت به نحو مخصوص

مشهور فقها معتقدند که برای ادای شهادت، مشاهده ایلاج و اخراج شرط است. اگر شهود بر زنا شهادت دهند، اما به معاینه و روایت فعل شهادت ندهند، زنا ثابت نمی‌شود و حدّ قذف بر شهود جاری خواهد شد. در واقع، شهود هم باید عیناً زنا را دیده باشند و هم هنگام ادای شهادت به روایت و مشاهده فعل تصریح کنند. در تقویت نظر مشهور باید گفت: اولاً این قول با ظاهر

روایات سازگاری دارد و از شهرت نیز برخوردار است. ثانیاً همان طور که بیان شد، علم شاهد باید از طریق عادی آن حاصل شده باشد که در مواردی مانند زنا، رؤیت و مشاهده فعل است. بنابراین، سخن مشهور با عموماً باب شهادت نیز هم‌خوانی دارد. همچنین حساسیت شارع در جرایم منافی عفت، وضع شرایط خاص در اثبات این جرایم و همچنین مجازات سنگین آن باعث شده است که این قول، طرفداران بیشتری بیابد؛ چرا که در قول مشهور نسبت به دیگر اقوال، دقت و حساسیت بیشتری لحاظ شده است.

۳-۲ قول شیخ مفید: تفصیل بین زناى رجمى و جلدى

در بیشتر روایات از جمله معتبره ابی بصیر، شرط رؤیت اذخالی و اخراج فقط در زناى موجب رجم آمده است. «عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: لا یرجم الرجل و المرأه حتی یشهد علیهما اربعه شهداء علی الجماع و الا یلاجم و الا یدخل کالمیل فی المکحله» (عاملی، وسائل الشیعه ۲۸: ۹۵). این نکته باعث ایجاد قول سومی در بین فقها شده که شیخ مفید قائل به آن است. ایشان در زناى موجب جلد، صرف معاینه و مشاهده را کافی می‌دانند، ولی در زناى موجب رجم، معاینه به نحو مخصوص را لازم دانسته است (مفید، المقنعه ۷۸۶).

■ نقد قول شیخ مفید

تفصیل ایشان با ظاهر بیشتر روایات این باب سازگاری دارد و در بیشتر روایاتی که از رؤیت مخصوص سخن به میان آمده، صحبت از مجازات رجم است. با این حال، این قول مورد قبول نیست؛ زیرا در برخی روایات مانند صحیح حریز از امام صادق (ع)، ایشان، مشاهده به نحو مخصوص را شرط قبول شهادت بر مطلق زنا دانسته است، نه فقط زناى موجب رجم: «عن حریز عن ابی عبدالله (ع) قال: القاذف یجلد ثمانین جلدۀ و لا تقبل له شهادۀ أبداً - إلا بعد التوبۀ أو یکذب نفسه - فإن شهد له ثلاثه و أبی واحد - یجلد الثلاثه و لا تقبل شهادتهم حتی یقول أربعه - رأینا مثل المیل فی المکحله» (عاملی، وسائل الشیعه ۲۸: ۱۷۷). آیت الله منتظری نیز در رد نظر شیخ مفید می‌فرماید: «ممکن است طرفداران این نظریه به حدیث محمد بن قیس استناد کنند، (همان ۲۸: ۹۵) در حالی که این حدیث به دو نحو نقل شده که در نقل کلینی، مخصوص جلد است، نه رجم که بنا بر این نقل، رؤیت به نحو مخصوص در زناى موجب جلد نیز لازم است» (منتظری، کتاب الحدود ۴۹).

همچنین با توجه به اینکه در حدود، بنای شارع بر تخفیف است، بعید نیست در زناى موجب جلد نیز رؤیت ادخال و اخراج، شرط باشد. از طرفی، مشهور فقها چنین فرقی میان زناى رجمی و جلدی قائل نیستند و مخالفت با مشهور نیز مشکل است. نکته دیگر این است که سخن شیخ مفید در زناى موجب جلد ابهام دارد؛ زیرا اگر منظور از معاینه و مشاهده در زناى موجب جلد همان مشاهده نفس عمل زنا باشد، اختلافی بین ایشان با مشهور نخواهد بود. همان گونه که گذشت، آنچه در کلام مشهور به عنوان شرط رؤیت ادخال و اخراج آمده، چیزی جز رؤیت نفس زنا نیست. اگر منظور شیخ، رؤیت مقدمات ملازم با زنا باشد، ایشان در زناى موجب جلد با خویی هم‌نظرند. علاوه بر این، تفصیل شیخ در بین فقها، طرفداران زیادی ندارد.

۳-۳ قول صاحب جواهر: مطلق علم به زنا

صاحب جواهر معتقد است در شهادت بر زنا، مشاهده نفس ایلاج و اخراج لازم نیست؛ زیرا طبق مبنای ایشان، عمومات باب شهادت، مطلق علم به وقایع را برای ادای شهادت کافی می‌داند. به فرموده صاحب جواهر، اعتبار ابصار در محل بحث از آن جهت است که رؤیت، طریق غالب حصول علم در مبصرات است و آنچه در روایات آمده، شهادت بر ادخال و اخراج است، نه رؤیت آن (نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۲۹۹). به عبارت دیگر، اگر شهود از راهی غیر از مشاهده به زنا علم پیدا کنند و به رؤیت کالمیل فی المکحله شهادت دهند، شهادت معتبر است. گویا ذکر مشاهده ایلاج و اخراج هنگام ادای شهادت، برای اثبات دقت و اطمینان شهود است و جزو تشریفات ادای شهادت است، حتی اگر علم آنها مستند معتبری غیر از مشاهده داشته باشد.

■ نقد قول صاحب جواهر

به قول صاحب جواهر نیز اشکال‌هایی وارد است. همان گونه که آیت الله گلپایگانی می‌فرماید، برخی در این مسئله بین سه نکته خلط کرده‌اند: اول اینکه آیا در شهادت بر زنا مانند دیگر مبصرات، رؤیت معتبر است یا صرف علم به زنا از دیگر طرق برای شهادت کفایت می‌کند؟ در صورت اعتبار مشاهده، احراز آن نیز لازم است. دوم اینکه شهادت باید صریح باشد که این مورد نیز در باب زنا و دیگر ابواب مشترک است. سومین مورد که وجه تمایز شهادت بر زنا از دیگر موارد است، لزوم ذکر رؤیت و مشاهده در شهادت است که از نصوص عدیده از

جمله صحیح‌ه حلبی به دست می‌آید (عاملی، وسائل الشیعه ۲۸: ۲۹۴). صاحب در المنزود در ادامه می‌فرماید: «ذکر مشاهده در شهادت بر زنا تا اندازه‌ای در روایات تکرار شده که شیخ حر عاملی این باب را باب ان الزنا لا یثبت إلا بأربعة شهدا یشهدون علی معاينة الإیلاج نامیده است» (گلپایگانی، الدر المنزود ۱: ۱۹۱). به این ترتیب، ادعای صاحب جواهر مبنی بر اینکه شاهد باید شهادت بر رؤیت اذخال و اخراج دهد، صحیح است، اما اینکه رؤیت اذخال و اخراج، لازم نیست و صرف علم به زنا کفایت می‌کند، لزوماً اثبات نمی‌شود. در واقع، همان طور که در کلام آیت الله گلپایگانی آمده، در اینجا خلطی صورت گرفته است. حال اگر در شهادت، مبنای مشهور پذیرفته شود، یعنی علم شاهد فقط در صورتی معتبر باشد که مبتنی بر مبادی عادی حسی باشد، قول صاحب جواهر رد می‌شود. در صورتی که مبنای خود صاحب جواهر در شهادت پذیرفته شود و مطلق علم کافی باشد و مشاهده موضوعیتی نداشته باشد، باز هم می‌توان به آن اشکال کرد. آیت الله گلپایگانی می‌فرماید: «آنچه صاحب جواهر در صدد اثبات آن است، جداً خلاف ظاهر روایات است؛ چرا که ظهور روایات، در اعتبار نفس رؤیت و مشاهده قابل انکار نیست» (همان ۱: ۱۹۵). بنابراین، نه تنها نظر صاحب جواهر هم در باب شهادت و هم در فرع فقهی مورد بحث مخالف مشهور است، بلکه مخالفت با ظاهر روایات نیز از اشکال‌های وارد بر کلام ایشان است.

۳- ۴ قول آیت الله خویی: رؤیت مقدمات

آیت الله خویی نیز همچون صاحب جواهر، مشاهده نفس زنا را شرط نمی‌داند، اما ایشان در شهادت، مبنای مشهور را می‌پذیرد و شهادت مبتنی بر حس و از مبادی عادی را حجت می‌داند. آیت الله خویی معتقد است اگر در شهادت بر زنا، رؤیت نفس زنا لازم باشد، چنین چیزی جز در موارد محدود در خارج محقق نمی‌شود و اشتراط رؤیت به نحو کامل فی المکحله سبب سد باب شهادت است. این در حالی است که در عصر پیامبر اکرم (ص)، در موارد فراوانی، بر زنا شهادت داده شده و آثار آن اعم از رجم و جلد نیز به اجرا در آمده است. پس رؤیت مقدمات ملازم با زنا برای ادای شهادت کفایت می‌کند. در واقع، همین که شهود، مقدمات ملازم با زنا را دیده باشند، شهادت عن حس به حساب می‌آید (خویی، مبنای تکمله المنهاج - موسوعه ۴۱: ۲۱۹). ایشان نیز مانند صاحب جواهر عبارت کامل فی المکحله را فقط قید شهادت می‌داند، نه قید رؤیت که رد این مطلب در نقد کلام صاحب جواهر گذشت.

■ نقد قول آیت الله خویی

این ادله نیز قابل خدشه است. این ادعا که در عصر پیامبر اکرم (ص)، موارد زیادی از حدّ زنا به موجب شهادت رخ داده است، برای ما ثابت نیست. با ملاحظه روایات درمی‌یابیم بیشتر مواردی که زنا در عصر پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومین (علیهم السلام) ثابت شده، از طریق اقرار بوده است، نه شهادت. همچنین در این مسئله، اعتماد به مقدمات خارجی، تالی فاسدی دارد؛ چون ممکن است دخول صورت نگرفته و صرفاً تفخیز انجام شده باشد که حکم آن متفاوت خواهد بود به خصوص در جایی که حداقل یکی از طرفین، محصن باشد که تفاوت مجازات زنا محصنه با مجازات تفخیز قابل مقایسه نیست. در ضمن، اشکال انسداد باب و تعطیلی شهادت بر زنا نیز قابل رد است. با قبول شرط روایت به نحو مخصوص، شهادت بر زنا به ندرت رخ می‌دهد، اما با توجه به حساسیت شارع در موارد مربوط به عفاف و تشریح شروط خاص در آن از جمله تعداد شهود، تعداد اقرار، عمل معصوم در منصرف کردن مُقِر و منحرف کردن موضوع، به نظر می‌رسد که شارع از مخفی ماندن و منتشر نشدن چنین وقایعی در جامعه استقبال می‌کند.

نکته دیگر این است که گفتیم در ادای شهادت، تصریح به مشاهده لازم است. حال اگر شهود در خارج نیز زنا را دیده باشند که مطلوب ما حاصل است. اگر به صرف دیدن مقدمات یا علم به زنا از طریق غیر از مشاهده، بر روایت ادخال و اخراج شهادت دهند، در واقع، شهادت دروغ داده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت تصریح به روایت در ادای شهادت، با مشاهده خود زنا ملازمه دارد. بنابراین، در شهادت، روایت نفس فعل زنا لازم است اعم از اینکه زنا موجب جلد باشد یا موجب رجم. در روایات برای شهادت بر زنا، روایت زنا و شهادت عن حس شرط شده که گاهی با عناوین دیگری مانند روایت ادخال و اخراج یا کالمیل فی المکحله بیان گردیده است. پس نباید پنداشت که این الفاظ چیزی جز روایت نفس زنا را شرط کرده‌اند. حال اگر شهود بدون حصول این شرط، شهادت بدهند، حدّ قذف بر ایشان جاری خواهد شد. شهود باید علاوه بر روایت زنا، هنگام ادای شهادت نیز بر روایت و مشاهده ادخال و اخراج تصریح کنند که این دو را نباید با هم خلط کرد. این قول علاوه بر اینکه با ظاهر روایات سازگاری دارد، با عموماً باب شهادت نیز مطابقت دارد و از شهرت هم برخوردار است.

نتیجه

گرچه اصل در فقه امامیه حدوث علم شاهد از طریق مبادی عادی حسی است که در مبصرات از طریق مشاهده حاصل می‌شود اما هنگامی که مسأله، شهادت بر زنا است از این اصل تعدی می‌شود. به عبارت دیگر در فقه امامیه بنا بر نظریه مشهور فقهای شیعه، رویت به نحو مخصوص و یا به تعبیر روایات مربوط اشتراط رویت کالمیل فی المکحله اعتبار شده است. در این مقاله با تبیین نظریه برخی فقها مبنی بر تفصیل بین شهادت موجب جلد و شهادت موجب رجم و نظریه دیگری مبنی بر کفایت مطلق علم به زنا حتی اگر از طریق غیر از مشاهده حاصل شده باشد، نظریه مشهور مبنی بر اشتراط رویت به صورت مخصوص ترجیح داده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲. ایروانی، باقر. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری. قم: ۱۴۲۷ هـ.ق.
۳. تبریزی، جواد بن علی. اسس الحدود و التعزیرات. قم: دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۴. تبریزی، جواد بن علی. اسس القضاء و الشهادات. قم: دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۷. سبزواری، سید عبدالاعلی. مهذب الاحکام. قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۸. شیخ مفید، محمد بن محمد بغدادی. المقنعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۹. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد. ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۰. فاضل موحّدی لنکرانی، محمد. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله. قم: مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۱۱. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن. کشف اللثام و الابهان عن قاعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۲. محقق حلّی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۳. منتظری نجف آبادی، حسین علی. کتاب الحدود. قم: دارالفکر، ۱۴۳۱ هـ.ق.
۱۴. مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی عربی - فارسی. قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ه.ش.
۱۵. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. مبانی تکمله المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۱۸. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دار القرآن کریم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۹. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. کتاب الشهادات. قم: دار القرآن کریم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۲۰. نجفی، حسن بن جعفر (کاشف الغطاء). انوار الفقاهه. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۲۱. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ.ق.